



مسئولیت کیفری وکیل دادگستری

دکتر بیژن حاجی عزیزی* - سیده مریم اعتماد**

چکیده:

عقد وکالت از جمله عقود معینی است که در جامعه و روابط بین اشخاص نقش اساسی دارد. وکالت در دعاوی نیز به عنوان یکی از مصادیق عقد وکالت از حیث اثبات حق زیان دیده و مجنی علیه دارای اهمیت فراوانی است. کثرت قوانین و فنی بودن دآوری از یک سو و عدم آشنایی آحاد افراد جامعه به این امور از سوی دیگر، نیاز به وکیل در جامعه را محسوس نموده است. طبیعتاً وکیل دعاوی نه تنها در برابر موکل خویش که در قبال جامعه و نظام صنفی خود نیز مسئولیت داشته و این مسئله از جنبه های مختلف مدنی، کیفری و انتظامی قابل بررسی است؛ اما آنچه در این مقال مورد واکاوی خواهد بود، مسئولیت کیفری وکیل دادگستری است که گاه به عنوان فردی از اعضای جامعه و گاه در ذیل «وکالت دادگستری» مورد بحث قرار می گیرد؛ بنابراین ممکن است وکیل مرتکب جرایم عمومی شود که همچون اشخاص عادی مسئولیت خواهد داشت (مسئولیت عام کیفری) و نیز ممکن است به علت ارتکاب جرایمی مسئول شناخته شود که قانونگذار برای ایشان - وکلای دادگستری - جرم انگاری کرده است که در این صورت به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد (مسئولیت خاص کیفری). در مقابل مواردی نیز وجود دارد که به علت عدم پیش بینی ضمانت اجرا در قانون، عمل وکیل فاقد هرگونه مسئولیت کیفری خواهد بود. حائز بودن عنوان «وکیل دادگستری» مسئولیتی تحت عنوان «مسئولیت حرفه ای» به دنبال دارد که گاه به تنهایی، گاه به موازات مسئولیت کیفری و گاه به دنبال احراز مسئولیت کیفری، اعمال می شود.

صفحه ۷-۲۶، تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۸
مجله پژوهشهای حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۸

* دانشیار گروه حقوق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

Email: haji598@basu.ac.ir

** دانشجوی مقطع دکترای حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

Email: etemad@iranian.ac.ir

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول

کلیدواژه‌ها:

وکالت، مسئولیت، مسئولیت کیفری، وکیل دادگستری.

مقدمه

احکام عقد وکالت در فصل سیزدهم از باب سوم از جلد اول قانون مدنی آمده است. مندرجات این فصل ناظر به مقررات وکالت در قراردادهاست. وکالت در دعاوی^۱ که از مصادیق قرارداد وکالت است دارای مقررات ویژه‌ای است که در قانون آیین دادرسی مدنی، قانون وکالت و سایر قوانین مرتبط^۲ بدان اشاره شده است. موضوع تعهد اصلی وکیل، اموری است که طرفین در وکالت‌نامه بدان تصریح نموده‌اند، لیکن علاوه بر تعهدات مذکور تعهداتی فرعی نیز وجود دارند که درحین اجرای تعهدات اصلی وکیل موضوعیت می‌یابند که این تکالیف خود می‌توانند وکیل را ملزم به انجام تعهداتی غیرمصرح نمایند. مقاله حاضر مسئولیت کیفری را که ممکن است دامن‌گیر وکیل دادگستری شود (از یک سو به عنوان یکی از اعضای صنف خود) و از سوی دیگر به عنوان فردی از اعضای جامعه، بررسی می‌کند و در آخر رابطه مسئولیت کیفری وکیل با مسئولیت مدنی و حرفه‌ای وی مطرح می‌گردد.

۱- معنای مسئولیت

مسئولیت^۳ واژه‌ای عربی است و معادل فارسی آن «پاسخگویی» است.^۴ در اصطلاح حقوقی نیز این عبارت از معنای لغوی آن دور نیفتاده است چراکه در علم حقوق مسئولیت عبارت از پاسخگویی شخص در قبال رفتاری است که عرفاً به او استناد داده می‌شود و حسب مورد ضمانت اجرای آن متفاوت است^۵ و مسئول کسی است که به دلیل نقض تعهدی که برعهده داشته، موردیازخواست قرار می‌گیرد؛ بنابراین مسئولیت همواره با التزام همراه است.^۶ در حقوق

1. Mandat ad litem.

۲. ازجمله قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری سال ۱۳۷۶.

3. Responsibility, Liability.

۴. محمد معین، فرهنگ معین (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱)؛ حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸)، چاپ سیزدهم.

۵. علی جعفرزاده، *الزامات بدون قرارداد و ضمان قهری* (تهران: جاودانه، ۱۳۹۰)، ۱۳. علیرضا باریکلو، *مسئولیت مدنی* (تهران: میزان، ۱۳۸۵)، ۲۲.

۶. محمدعلی اردبیلی، *حقوق جزای عمومی* ۲ (تهران: میزان، ۱۳۸۶)، ۷۴. برای مطالعه درخصوص مفهوم مسئولیت در نظام‌های حقوقی مختلف نک: حسن بادینی، *فلسفه مسئولیت مدنی* (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴)، ۲۳ به بعد.

اسلام به جای واژه مسئولیت از واژه ضمان استفاده می‌شود^{۸و۷} و ضمان یعنی «ثبوت اعتباری چیزی در ذمه کسی به حکم شارع».^{۹و۱۰} در اسلام لفظ «ضمان» در معنای عام و خاص آن، اعم از ضمان کیفری و مدنی است.^{۱۱} در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است می‌گویند در برابر او ضامن است.^{۱۲}

مسئولیت از دیدگاه فقه؛ در فقه مسئولیت اعم از مدنی و کیفری وجود دارد^{۱۳} ولی باب مستقلی به این نام در فقه نمی‌یابیم.^{۱۴} در کتاب مختصرالنافع اکثر مصادیق ضمان قهری در باب دیات آمده است و در معاملات احکام ضمان عهده جاری است. ایشان در تعریف ضمان می‌نویسد: «و هو عقد شرع للتعهد به نفس أو مال» یعنی ضمان عقدی است که برای حاضر کردن کس دیگر یا به عهده گرفتن مالی تشریع شده است. ایشان ضمان را در اینجا مشتمل بر سه قسم دانسته‌اند؛ ضمان، حواله و کفالت که هر سه مسئولیت عهده می‌باشند، درخصوص ضمان قهری گرچه باب خاصی در فقه وجود ندارد، ولی مواردی همچون غصب از مصادیق آن به‌شمار می‌آیند.^{۱۵}

۷. محمدحسین کاشف الغطاء، *تحریرالمجله* (نجف: المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۹)، جلد ۱، ۸۵؛ عبدالاعلی سبزواری، *مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام* (قم: دفتر آیه‌الله سبزواری، ۱۴۱۳)، جلد ۲۰، ۲۱۱ و ۲۱۲؛ یوسف بحرانی، *الحقائق الناصره فی احکام العترة الطاهره* (قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵)، جلد ۲۱، ۳.

۸. دراین زمینه نک: مرتضی قاسم‌زاده، *مبانی مسئولیت مدنی* (تهران: میزان، ۱۳۸۷)، ۲۸۶؛ بادینی، *فلسفه مسئولیت مدنی*، ۲۹.

۹. ابوالقاسم گرگی، *مقالات حقوقی* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹)، جلد ۲، ۲۵۷.

۱۰. ضمان را نیز به معنای برعهده گرفتن و ملتزم شدن دانسته‌اند (محمد بن مکرّم ابن منظور، *لسان‌العرب* (بیروت - لبنان: دارصار، ۱۴۱۴)، ج ۱۳، ۲۵۷).

۱۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی، *ترمیمولوژی حقوق* (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴)، ۴۱۸ و ۴۴۲.

۱۲. ناصر کاتوزیان، *وقایع حقوقی* (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴)، ۱۶.

۱۳. دراین خصوص نک: محمدجواد مغنیه، *فقه الامام الصادق علیه‌السلام* (قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱)، جلد ۳، ۸۵؛ کاشف الغطاء، پیشین، ۸۵؛ بحرانی، پیشین، جلد ۲۱، ۳؛ سبزواری، پیشین، ۲۱۱.

۱۴. حسینقلی حسینی نژاد، *مسئولیت مدنی* (تهران: مجد، ۱۳۷۷)، ۱۱۰.

۱۵. نجم‌الدین محقق حلی، *المختصر النافع فی فقه الامامیه* (قم: مؤسسه المطبوعات الدینیّه، ۱۴۱۸)، جلد ۱: ۱۱۶، ۱۴۲ و ۲۵۵ به بعد و جلد ۲: ۳۰۲؛ بحرانی، پیشین، ۳.

۲- اقسام مسئولیت^{۱۶}

مسئولیت به مقتضای شیوه و چگونگی پاسخگویی، نوع تخلف ارتكابی، همچنین باتوجه به مقام پرسش کننده یا مؤاخذه کننده و ... به اقسامی تقسیم می شود. یکی از جامع ترین دسته بندی ها، تقسیم مسئولیت به دو دسته بزرگ اخلاقی و قانونی است. مسئولیت قانونی نیز به مسئولیت کیفری و حقوقی^{۱۷} تقسیم می شود.^{۱۸ و ۱۹} مسئولیت اخلاقی به معنای شرمساری وجدان است و بیشتر جنبه شخصی دارد. گرچه کلمه مسئولیت هر جا به کار رود رنگ و طنین اخلاقی دارد^{۲۰}، اما فضائل و خصائل اخلاقی تا زمانی که وارد قانون نگشته اند، به علت فقدان ضمانت اجرای قانونی، از بحث ما خارج هستند.

۲-۱- مسئولیت کیفری

بر اساس تقسیم بندی برگزیده شده، مسئولیت کیفری را در مقابل مسئولیت حقوقی دانستیم. ابتدا یادآور می شود، هر جرمی از دو دسته عناصر عمومی و اختصاصی برخوردار است: عناصر عمومی اختصاص به جرم خاصی ندارد و وجه مشترک میان تمامی جرایم است و عناصر اختصاصی در مورد یکایک جرایم مطرح و موجب تفکیک هر جرمی از جرم دیگر می گردد.^{۲۱} از دیدگاه حقوق کیفری «جرم» فعل یا ترک فعل مستلزم مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی

۱۶ درخصوص دسته بندی های ارائه شده در این زمینه نک: حسینی نژاد، پیشین، ۲۶، ۱۲۰ و ۱۴۰ به بعد؛ کاشف الغطاء، پیشین، ۸۵؛ بحرانی، پیشین، جلد ۲۱، ۳؛ سبزواری، پیشین، جلد ۲۰، ۲۱۱. برای مطالعه بیشتر نک: ع. السنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدني الجديد (۱۹۹۸)، جلد ۷؛ م. فیض کاشانی، الوافی (مکتبه الإمام أمير المؤمنين علی علیه السلام، ۱۴۰۶)، جلد ۱۶.

۱۷ برای دیدن وجه افتراق مسئولیت مدنی و کیفری نک: ایرج گلدوزیان، بایسته های حقوق جزای عمومی (تهران: میزان، ۱۳۸۵)، ۶۸-۶۶؛ ناصر کاتوزیان، ضمان قهری - مسئولیت مدنی (تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۹)، ۱۶-۱۲.

۱۸ مهرباب داراب پور، مسئولیت های خارج از قرارداد (تهران: مجد، ۱۳۸۷)، ۲۹؛ پاتریس ژوردن، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب (تهران: میزان، ۱۳۸۵)؛ مرتضی قاسم زاده، الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد (تهران: میزان، ۱۳۸۷)، ۲۱.

۱۹ البته برخی شق سومی تحت عنوان مسئولیت اداری و انتظامی را به طور جداگانه ذکر کرده اند. قاسم زاده، الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، پیشین، ۲۱.

۲۰ کاتوزیان، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، پیشین، ۱۱.

۲۱ جلال الدین قیاسی، حمید دهقان، قدرت الله خسروشاهی، حقوق جزای عمومی (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵)، جلد ۲، ۱۳۷. اردبیلی، حقوق جزای عمومی ۱ (تهران: میزان، ۱۳۸۶)، ۱۲۵.

به موجب قانون است.^{۲۲} هرچند صرف وجود متن قانونی نمی تواند موجب تعقیب افراد باشد؛ مجرم باید عملی مادی انجام دهد و یا به ترک فعلی مبادرت ورزد تا مستوجب مجازات شود. رفتار مجرمانه ممکن است به شکل مثبت (فعل) یا منفی (ترک فعل) ظاهر شود. در غالب موارد بین فعل و نتیجه مجرمانه باید رابطه علت و معلولی وجود داشته باشد؛ یعنی عمل یا ترک عمل انجام شده منجر به وقوع جرم گردد. مجرم علاوه بر انجام عمل مادی باید قصد مجرمانه بر ارتکاب بزه داشته باشد یا خطایی از او برای تحقق جرم سر بزند. جرایم عمدی و خطایی بدین شکل از یکدیگر تفکیک می شوند. این مسئولیت به علت نقض قواعد حقوق کیفری و تحقق مسئولیت منوط به وجود قواعد و تکالیفی است که قانون بر افراد از قبل تحمیل نموده است؛ بنابراین می توان گفت مسئولیت کیفری عبارت است از «انتساب فعل یا ترک فعل مجرمانه به شخص یا اشخاصی که با انجام بزه، به قوانین جزایی خواه به عنوان مباشرین و خواه به عنوان شرکاء و معاونین به عمد یا خطا تجاوز کرده اند و توان تحمل بار مجازات و یا احتمالاً اقدامات تأمینی و تربیتی را در قبال فعل یا ترک فعل خود دارند.»^{۲۳}

۲-۲- مسئولیت کیفری وکیل

در خصوص مسئولیت کیفری وکیل دادگستری، تقسیم بندی ذیل قابل ترسیم است:

۲-۲-۱- مسئولیت عام

ممکن است وکیل، مرتکب جرایمی عمومی چون قتل، ضرب و جرح، توهین، جرایم علیه آسایش عمومی و ... بشود که در این صورت، مسئولیت وی همانند مسئولیت اشخاص عادی است.^{۲۴} به علاوه بخشی از همین جرایم، می توانند در ارتباط با انجام وظایف و کالتی اتفاق بیفتند.^{۲۵ و ۲۶} برای مثال:

۲۲. رضا نورپنا، زمینه حقوق جزای عمومی (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳)، ۱۸۰.

۲۳. همان، ۲۰۵ به بعد.

۲۴. البته بر اساس بند «و» ماده ۲۶ ق.م.ا. محرومیت از وکالت به عنوان یکی از حقوق اجتماعی پیش بینی شده است (۶۲ مکرر ق.م.ا. سابق).

۲۵. علی نجفی توانا، «مسئولیت کیفری وکیل دادگستری»، مدرسه حقوق (۱۳۹۰)، ۱۴۹-۱۴۲.

۲۶. همچنین ماده ۳۵۴ ق.آ.د.ک. مقرر می دارد: «اخلال در نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص، موجب غیرعلنی شدن محاکمه نمی شود، بلکه باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود. رئیس دادگاه می تواند دستور اخراج کسانی را که باعث اخلال در نظم دادگاه می شوند، صادر کند، مگر اینکه اخلال کننده از اصحاب دعوی باشد که در این صورت رئیس دادگاه دستور حبس او را از یک تا پنج روز صادر می کند. این دستور پس از جلسه رسیدگی،

طبق آنچه که در ماده ۵۵۴ ذیل تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده^{۲۷} آمده است: «هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.»^{۲۸}

همچنین بر اساس ماده ۵۹۶ قانون مزبور، سوءاستفاده از اعتماد و ضعف شخصی موکل، فریفتن و ترساندن وی و تحصیل هرگونه وجهی خارج از حدود متعارف و امیدوار نمودن نابه‌جای او موجب مسئولیت وکیل می‌گردد، البته از آنجاکه قانون - برخلاف مسئولیت وصی، ولی و قیم - در مورد وکیل ساکت می‌باشد، مجازات وی مشمول صدر ماده قرار می‌گیرد (... علاوه بر جبران خسارات مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود).

خیانت در امانت (ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)؛ گرچه وفادار نبودن به موکل، نوعی خیانت به حساب می‌آید ولی مصداق واقعی خیانت در امانت که در قانون مجازات اسلامی آمده، قرار نمی‌گیرد. آنچه در این ماده آمده، بدین قرار است: «هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته، چک، قبض و نظایر آن، به‌عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنابر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود، یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مقفود نماید، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»^{۲۹} لذا زمانی می‌توان وکیل را به مجازات

فوری اجرا می‌شود. اگر اخلاص‌کننده از وکلای اصحاب دعوی باشد، دادگاه به وی در خصوص رعایت نظم دادگاه تذکر می‌دهد و در صورت عدم تأثیر، وی را اخراج و به دادرسی انتظامی وکلا معرفی می‌کند. چنانچه اعمال ارتكابی، واجد وصف کیفری باشد، اجرای مفاد این ماده، مانع از اعمال مجازات قانونی نیست. دادگاه پیش از شروع به رسیدگی، مفاد این ماده را به اشخاصی که در جلسه دادگاه حضور دارند، تذکر می‌دهد.»

۲۷. خاطرنشان می‌گردد در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، کتاب پنجم ذیل عنوان تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده آمده است که مواد ۴۹۸ تا ۷۲۹ را دربرمی‌گیرد.

۲۸. گفته شده است در بحث پولشویی موضوع ماده ۶ قانون ۱۳۸۶ و در صورتی که وکیل از ارائه اسنادی که متعلق به موکل بوده و نزد وی موجود است استنکاف نماید، با وصف عدم ذکر مجازات در قانون مذکور، به نظر می‌رسد وفق ماده ۱۵۴ ق.آ.د.ک. این مورد نیز از موارد مذکور در ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده بوده و نوعی استثناء به اصل رازداری حرفه‌ای محسوب می‌شود (نجفی‌توانا، پیشین، ۱۴۹-۱۴۲).

۲۹. حبس شخصی که خیانت در امانت می‌کند صراحتاً در فقه پیش‌بینی شده است؛ «... الأخبار صریحه فی وجوب حبس من خان فی أمانة ائتمن علیها» (محمدباقر خالصی، احکام المحبوسین فی الفقه الجعفری (قم: دفتر

خیانت در امانت محکوم کرد^{۳۰} که اسناد یا اموال امانی که از راهی قانونی (با شرط استرداد یا مصرف معین) به وی سپرده شده است را عامدانه^{۳۱} استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نماید؛^{۳۲} همان‌طور که روشن گردید، این جرایم و جرایمی از این دست می‌توانند هم در ارتباط با وکالت و هم خارج از آن به وقوع بپیوندند.

۲-۲-۲- مسئولیت خاص

باید توجه داشت جرایم خاصی هم وجود دارد که تنها زمانی برای فرد مسئولیت‌برانگیز است که به‌عنوان وکیل دادگستری اقدام نموده باشد. بر اساس ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده «... کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی^{۳۳} اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم

انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳)، ۱۳۴). این روایت در وسائل الشیعه: «وَعَنْ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ ابْنِ أَذْيَنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ ع يَقُولُ لَا يُحْبَسُ فِي السِّجْنِ إِلَّا ثَلَاثَةُ الْغَاصِبِ وَمَنْ أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَمَنْ أَوْثَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ فَذَهَبَ بِهَا وَإِنْ وَجَدَ لَهُ شَيْئًا بَاعَهُ غَائِبًا كَانَ أَوْ شَاهِدًا» (محمدبن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹)، جلد ۲۷، ۲۹۵) و کافی آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ رَفَعَهُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) كَانَ لَا يَرَى الْحَبْسَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ رَجُلٍ أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ أَوْ غَصَبَهُ أَوْ رَجُلٍ أَوْثَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ فَذَهَبَ بِهَا» البته حصر آمده در این اخبار، حصر اضافی است نه حقیقی (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷)، جلد ۷، ۲۶۳).

۳۰. لازم به‌ذکر است به‌علت اهمیت اسناد، وکیل موظف به ارائه رسید در قبال اسناد دریافتی از موکل شده است. در ماده ۵۷ آیین‌نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶ آمده است: «وکلا باید درمقابل هر سندی که از موکل دریافت می‌کنند اعم از اینکه سند مزبور اصل باشد یا رونوشت مصدق رسیدی مطابق نمونه مخصوص که در قانون وکلا موجود است به موکل بدهند و نوع سند، مفاد و تاریخ آن را در ورقه رسید قید نمایند.» متخلف به‌موجب آیین‌نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ به مجازات انتظامی درجه ۳ یا ۴ محکوم خواهد شد.

۳۱. درغیراین‌صورت ممکن است فقط موجب مسئولیت مدنی وی گردد.

۳۲. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، بررسی توصیفی جرم خیانت در امانت (تهران: ناشر راه نوین، ۱۳۸۹)، ۲۵.

۳۳. غیر از موارد قانونی، همچون ماده ۱۰۶ ق.آ.د.ک. که مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم نوشته‌های خود را که مؤثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد قاضی می‌تواند آنها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید و درصورت استنکاف از ارائه آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد.»

می‌شوند.^{۳۴} همچنین است جرم مصرح ماده ۴ قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی (مصوب ۱۳۱۵/۰۹/۲۹) که به موجب آن: هر وکیل عدلیه که به دعوی داشتن اعتبار و نفوذ در نزد مأمورین قضایی یا اداری یا حکم یا شهود و اهل خبره وجه یا مال یا فایده دیگری برای خود یا شخص ثالثی از موکل خود به عنوان اینکه باید به یکی از اشخاص مذکوره بپردازد یا مساعدت آنها را جلب کند تحصیل نماید یا وعده آن را قبول کند علاوه بر رد وجه یا مال مورد استفاده یا قیمت آن به حبس تأدیبی از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد. ارتکاب این جرایم به گونه‌ای با حرفه وکالت ارتباط دارد که بدون لحاظ این شغل امکان وقوع آنها وجود ندارد، لذا در خصوص وکیل مدنی متصور نیست. بر اساس ماده ۲ آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای موضوع ماده ۱۸۷ برنامه سوم توسعه ... مصوب ۱۳۸۵/۰۴/۲۷ قوه قضائیه: «اگر به موجب قرارداد فی مابین، مبلغ حق الوکاله مازاد بر تعرفه تعیین شده باشد، درج این مبلغ در وکالت نامه و ارائه آن جهت ابطال تمبر علی الحساب مالیاتی (موضوع ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶) لازم خواهد بود. چنانچه وکیل با کتمان واقع، در وکالت نامه مبلغ حق الوکاله را طبق تعرفه اعلام و به این مأخذ ابطال تمبر شود، لکن حق الوکاله بیشتری دریافت نماید، عمل وکیل در صورت انطباق با ماده ۲۰۱ آن قانون قابل تعقیب جزایی خواهد بود. قضات، مدیران دفاتر و کارمندان مسئول ابطال تمبر مکلفند مفاد قانون را به موقع اجرا گذاشته و ضمن بازرسی و کنترل وکالت نامه‌ها عنداللزوم اعلام جرم نمایند.» ماده ۲۰۱ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «هرگاه مؤدی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است، استناد نماید یا برای سه سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و سود و زیان خودداری کند علاوه بر جریمه‌ها و مجازات‌های

۳۴. برای رسیدگی به جرایمی که یک وکیل مرتکب می‌شود لازم نیست وکیل قبل از حضور در دادسرای عمومی معلق شود چراکه بر اساس ماده ۸۷ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۴: «در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت کیفرخواست صادر شود دادستان باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف کانون به دادگاه انتظامی وکلا رجوع می‌شود و در صورتی که دادگاه دلایل را و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت او را صادر می‌نماید و حکم مزبور موقتاً قابل اجراست ...»

۳۵. برای مطالعه در این زمینه نک: مجتبی باری، نظارت انتظامی کانون وکلای دادگستری (تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۱)، ۳۱۷.

مقرر در این قانون از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد.^{۳۶}

در ذیل همین بحث مناسب است، از مسئولیت کیفری وکلایی نام برد که علی‌رغم تعلیق از وکالت به این امر مبادرت می‌ورزند. به موجب ماده ۵۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵: «وکلا معلق و اشخاص ممنوع‌الوکاله و به‌طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در محل وکالت ممنوع است»^{۳۷}، اعم از اینکه عناوین تدلیس اعم از مشاوره حقوقی و غیره اختیار کند یا اینکه به‌وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصیل در دعوا قلمداد نماید متخلف از یک الی شش ماه حبس محکوم خواهد شد.» همچنین به موجب ماده ۵۹ آیین‌نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶ وکلا مکلفند در ظرف ۲۴ ساعت پس از اعلام تعلیق، پروانه وکالت و دفاتر وکالتی خود را در مرکز به قسمت تشکیلات وکلا و در ولایات به مدعیان عمومی که سمت نمایندگی دفترکل بازرسی و تشکیلات وکلا را دارند، تسلیم نمایند که تا تعیین تکلیف قطعی آنها در پرونده آنها بایگانی

۳۶. بر اساس تبصره مندرج در ذیل این ماده: «تعقیب و اقامه دعوی علیه مرتکبین نزد مراجع قضایی از طرف رئیس سازمان مالیاتی کشور به‌عمل خواهد آمد.»

۳۷. باتوجه به اینکه امروزه وکالت دادگستری نیاز به تخصص خاص دارد به‌صورت یک حرفه درآمده و برای احراز آن شرایط خاص معین شده است، لذا مبادرت اشخاص غیر وکیل دادگستری به پذیرش وکالت دادگستری جرم تلقی شده است. در پاسخ به این سؤال که آیا کسانی که پروانه وکالت رسمی دادگستری ندارند، می‌توانند در دادگاه‌ها حضور یافته و از موکل خود دفاع نمایند؟ نشست‌های قضایی مختلفی بین قضات دادگستری برگزار گردیده است که از آن جمله نشست قضایی در دادگستری استان زنجان است که اقلیت اعضاء معتقدند از نظر شرعی وکیل برای دفاع از موکل خود نیازی به پروانه رسمی ندارد، ضمن اینکه در ماده ۱۵ قانون امور حسبی هم تصریح شده است که افراد عادی هم مجاز به وکالت هستند. در نظریه کمیسیون آمده است؛ باتوجه به اینکه در متن ماده واحده مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، عنوان وکیل بدون اتصاف و تقید به وصف و قید خاص ذکر شده است و ماده ۱۸۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب هم مشعر است بر اینکه طرفین دعوی می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی کنند لکن به قرینه ماده ۱۸۶ قانون مزبور و اینکه وفق ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی، وکلای متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین وکالت در دادگاه‌ها برای آنان مقرر شده است. ضمناً باتوجه به اینکه به موجب ماده ۱ قانون امور حسبی، امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد، رعایت تشریفات رسیدگی به دعاوی منصرف به امور حسبی نیست و ماده ۱۵ قانون امور حسبی که در نظر اقلیت به آن اشاره راجع است به امکان ورود نماینده یا مشاور از طرف اشخاص ذی‌نفع و این مقوله با امر وکالت در دادگاه‌ها ارتباط ندارد، البته دادرسی دادگاه باید سمت چنین نماینده‌ای را احراز کند. (عاطفه زاهدی، مجموعه پرسش و پاسخ‌های حقوقی - وکالت در دعاوی (تهران: جنگل، ۱۳۹۲)، ۱۷۸-۱۷۵).

شود. این ماده شامل اشخاصی که قبل از اجرای قانون وکالت معلق گردیده‌اند نیز می‌باشد و تا تعیین تکلیف قطعی پروانه و دفاتر در پرونده وکیل معلق موقتاً بایگانی می‌شود. متخلف به مجازات انتظامی از درجه چهار به بالا محکوم خواهد شد.

۲-۲-۳- فقدان مسئولیت کیفری

البته در مواردی هم ضمانت اجرای کیفری برای اقدام وکیل وجود ندارد، مثلاً اگرچه می‌توان جعل عنوان وکیل پایه یک توسط کارآموز را از مصادیق تحصیل وکالت به صورت فریبنده و مشمول ماده ۸۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری دانست^{۳۸}، اما باتوجه به ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی مشخص می‌گردد که ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده در قانون به مشاغل دولتی اختصاص دارد. به موجب این ماده: «هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده دخالت دهد یا معرفی کند به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور سندی جعل کرده باشد مجازات جعل را نیز خواهد داشت» و نیز ممکن است وکیل در معامله با ثالث، به واسطه وجود رشوه اموال موکل را به قیمت نازل بفروشد یا مالی را از ثالث به قیمتی بالاتر از مظنه روز خریداری نماید که در این موارد از آنجا که تعریف رشوه در قانون ایران کیفیت متفاوتی از روابط اشخاص با یکدیگر و با دولت ارائه می‌کند، لذا این عنوان در روابط خصوصی افراد پیش‌بینی نشده و وکیل تحت این عنوان قابل مجازات کیفری نمی‌باشد.^{۳۹} می‌بینیم در نظام تقنینی ما جز در موارد استثنائی مانند اعمال نفوذ و افشای اسرار، بزه خاصی برای وکیل دادگستری مقرر نشده است و این عدم تفکیک حائز برآیندهای متعددی در فرهنگ کیفری بوده است، از جمله این مسئله که گفته شده است: به اتهام وکیل دادگستری همانند افراد عادی بدون انجام تشریفات دادرسی و بدون تعلیق وی و در مراجع عادی رسیدگی می‌شود و این مسئله که سمت وکیل در کیفر وی تأثیر ندارد، هرچند می‌تواند تبعات

۳۸. در آرای صادره از دادگاه‌های انتظامی وکلا، این مسئله از مصادیق تخلف از قسم دانسته شده است (عبدالفتاح سلطانی، «بازخوانی سوگند وکالت»، فصلنامه کانون وکلا ۱۷۸ و ۱۷۹ (۱۳۸۱)، ۲۶۶-۲۵۹). برای دیدن احکام صادره از محاکم انتظامی در این خصوص نک: مرتضی شیخ الاسلامی و محمد انصاری عربانی، *تخلفات انتظامی وکیل دادگستری* (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۰)، ۲۰۷ و ۳۰۵.

۳۹. برخلاف نظام‌های حقوقی کامن لا و حقوق نوشته که قواعد رشوه را بر روابط خصوصی اشخاص نیز تسری داده‌اند (احمد امیرمعزی، نیابت در روابط تجاری و مدنی (تهران: دادگستر، ۱۳۸۸)، ۲۲).

انتظامی داشته باشد و یا در اجرای ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی موجب حرمان از حقوق اجتماعی از جمله شغل و کالت باشد^{۴۰}، درخصوص رابطه این دو نوع مسئولیت، یادآور می‌شود؛ پاره‌ای از جرایم با اینکه مجازات‌های کم‌وبیش سنگینی دارند ولی چون خسارتی برای دیگران ایجاد نمی‌کنند توأم با مسئولیت مدنی نخواهند بود. درمقابل، هر فعلی که موجب ایجاد مسئولیت مدنی و تکلیف به جبران خسارت است، لزوماً جرم نیست و موجب مسئولیت کیفری نمی‌باشد.

۳- رابطه مسئولیت کیفری و کیل با مسئولیت مدنی و حرفه‌ای وی

۳-۱- رابطه مسئولیت کیفری و مدنی و کیل دادگستری

با اینکه امروز مسئولیت مدنی و کیفری از هم فاصله گرفته‌اند، اما همیشه چنین نبوده است، در حقوق کنونی، این دو نهاد از جهات گوناگون متمایز می‌شوند، از جمله اینکه، این دو مسئولیت از جهت قلمرو، اهداف، رسیدگی، آیین دادرسی و ... با هم متفاوت هستند.^{۴۲} در نظام حقوقی ایران و بیشتر نظام‌های حقوقی دیگر کشورها برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن همواره لازم است: ۱- فعل زیان‌بار؛ ۲- ضرر^{۴۳}؛ ۳- رابطه سببیت^{۴۴} بین فعل و ضرری

۴۰. نجفی‌توانا، پیشین، ۱۴۹-۱۴۲.

۴۱. هرچند ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۰۵ اشعار می‌دارد: «از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل و کالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی». نک: باری، پیشین، ۵۲-۴۳.

۴۲. کاتوزیان، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، پیشین، ۱۶-۱۲؛ ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (تهران: میزان، ۱۳۸۵)، ۶۸-۶۶.

۴۳. روند تحقق مسئولیت همیشه به یک شکل است، زیرا ماهیت مسئولیت هرچه که باشد، با یک زیان یا خسارت آغاز می‌شود (ژوردن، پیشین). به همین علت است که اولین و مهم‌ترین رکن مسئولیت مدنی را پیدایش ضرر دانسته‌اند (امیر سپهوند، «مسئولیت مدنی»، فصلنامه کانون وکلا ۱۲۸ و ۱۲۹ (۱۳۵۳)، ۱۴۹-۱۴۰. در تعریف ضرر گفته شده است: «در هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید، گفته می‌شود ضرری به‌بار آمده است.» (کاتوزیان، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، پیشین، ۱۴۲). درخصوص حدود ضرر قابل جبران رنک: حسینی‌نژاد، پیشین، ۸۲.

۴۴. گفته می‌شود احراز رابطه علیت میان فعل زیان‌آور و زیان مسئله‌ای دقیق است و بیشتر فلسفی است تا حقوقی. برای مطالعه در این زمینه نک: حسینی‌نژاد، پیشین، ۸۳ به بعد؛ ناصر کاتوزیان. قواعد عمومی قراردادها - اجرای قرارداد (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷)، جلد ۴، ۲۶۹-۲۶۵.

که وارد شده است.^{۴۵} این سه شرط را می‌توان شروط ثابت مسئولیت نامید زیرا وجود آنها در هر حال برای تحقق مسئولیت ضرورت دارد. بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به حق دیگری لطمه وارد کند مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود. در مورد عمل فرق نمی‌کند که عمل جرم باشد یا شبه جرم، زیرا مسئولیت مدنی نتیجه عمل بدون مجوز قانونی است؛ اعم از اینکه عمدی باشد یا غیر عمدی. بحث مسئولیت مدنی در مورد وکیل دادگستری، با توجه به عمومی بودن وکالت در ایران و سخت بودن امکان تسلط و احاطه وکیل بر همه قوانین، اهمیت خاصی می‌یابد؛ چرا که طبیعتاً احتمال سهو و خطای وکیل و به دنبال آن ورود زیان به موکل وجود دارد، ذیلاً بحث جبران خسارت مطرح می‌شود. مسئولیت مدنی خود به دو دسته: مسئولیت قراردادی^{۴۶} و مسئولیت قهری یا مسئولیت غیر قراردادی^{۴۷} تقسیم می‌شود.^{۴۸}

۴۵. این سه شرط را می‌توان شروط ثابت مسئولیت نامید زیرا وجود آنها در هر حال برای تحقق مسئولیت ضرورت دارد. تا شخصی فعل زیان‌باری را مرتکب نشود و به دیگری ضرر یا خسارتی نرسد و ضررها در نتیجه آن فعل زیان‌بار وارد نشود مسئولیت محقق نمی‌گردد و هر زیان دیده‌ای نمی‌تواند بدون اثبات این شرایط برای جبران زیان‌های خود به دیگری رجوع کند. مسئولیت رکن متغیری نیز دارد که تقصیر است. در بیشتر نظام‌های حقوقی مسئولیت اصولاً بر پایه تقصیر استوار است (تقصیر نوعی یا شخصی) ولی هرگاه مصالح جامعه اقتضاء کند، قانونگذار می‌تواند برای جبران ضرر نامشروع یا خطری که برای دیگران ایجاد شده است مسئولیت بدون تقصیر ایجاد کند. به عبارت دیگر ممکن است در پاره‌ای از موارد قانونگذار مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت مبتنی بر خطر یا تضمین حق نیز ایجاد کند لیکن چون اصل با مسئولیت مبتنی بر تقصیر است هر جا که در نوع مسئولیت تردید شود می‌توان به اصل مذکور استناد کرد و برای تحقق مسئولیت وجود و اثبات تقصیر فاعل زیان را ضروری دانست مگر آنکه خلاف آن اثبات شود. (پیرامون تقصیر و معنای آن می‌توانید نک: حسینی‌نژاد، پیشین، ۷۵؛ ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها - اجرای قرارداد، پیشین، جلد ۴، ۱۶۶-۱۵۶؛ قاسم‌زاده، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، پیشین، ص ۸۱ به بعد)؛ بنابراین شرط چهارم مسئولیت مدنی شرط ثابتی نیست و متغیر است و ممکن است حسب مورد تقصیر یا خطر یا تضمین حق باشد. با وجود این بحث تقصیر، در بین مباحث عمومی و اصول کلی مسئولیت مدنی اهمیت دوچندانی دارد زیرا هم مبنای مسئولیت است و هم در اثبات رابطه سببیت نقش اساسی دارد (قاسم‌زاده، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، پیشین، ۲۵ و ۷۳ و ۷۴ به بعد) برای مطالعه جامع در خصوص این ارکان، نک: کاتوزیان، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، ۱۴۲ به بعد؛ سپهوند، «مسئولیت مدنی»، فصلنامه کانون وکلا ۱۲۸ و ۱۲۹ (۱۳۵۳)، ۱۴۹-۱۴۰.

46. Contractual Liability.

47. Delictual Liability.

۴۸. مسئولیت قراردادی عبارت است از مسئولیتی که در نتیجه تخلف از مفاد قرارداد خصوصی برای اشخاص ایجاد می‌شود؛ بنابراین عدم اجرای تعهد ناشی از هر قراردادی، به معنای ارتکاب یک خطای قراردادی است، خواه این امر ناشی از عمد باشد یا خطا. در صورتی که شرایط لازم برای تحقق مسئولیت قراردادی، وجود نداشته باشد، مسئولیت به جبران خسارت وارده را مسئولیت قهری گویند. به عبارت دیگر در مواردی که شخص زیان دیده و شخصی که مرتکب فعل زیان‌بار شده است، هیچ‌گونه قراردادی با هم نداشته باشند و یا در صورت وجود چنین

مسئولیت قراردادی وکیل: قانون برای تضمین اجرای تعهد در مواردی، تدابیری پیش‌بینی کرده است. ماده ۲۲۲ ق.م. مقرر می‌دارد: «درمورد عدم‌ایفای تعهد با رعایت ماده فوق، حاکم می‌تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تأدیه مخارج آن محکوم نماید.» البته این ماده منصرف از موردی است که مباشرت مدیون در انجام آن شرط است. ماده ۲۳۸ ق.م. اجرای این قاعده را درمورد شرط فعل چنین بیان می‌کند: «هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن غیرمقدور ولی انجام آن به‌وسیله شخص دیگری مقدور باشد، حاکم می‌تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند.» پرداخت مخارج توسط متعهد، در راستای اجرای تعهد است و با جبران خسارت متفاوت است. البته زمانی که مخارج اجرای تعهد با موکل است، فایده تمسک به ماده فوق می‌تواند درجایی باشد که موکل نمی‌خواهد وکیل را عزل کند، ضمن اینکه حق اقدام مستقیم را از خود ساقط نموده است. بر اساس مقررات، درخواست اجبار می‌بایست از جانب متعهدله صورت گیرد و چون متعهدله در بحث ما همان موکل است، بحث اجبار وکیل ممکن است کمتر پیش آید؛ زیرا عقد وکالت عموماً از جانب موکل قابل‌فسخ است و غالباً موکل حق اقدام در موضوع موردوکالت یا اعطای وکالت به شخص دیگری در همان موضوع را دارد. وسیله بعدی برای تضمین نیروی الزام‌آور قراردادی، جبران خسارتی است که مدیون به آن ملزم می‌شود.^{۴۹} بر اساس ماده ۶۶۶ ق.م. هرگاه وکیل در انجام موضوع موردوکالت، موجب ورود زیان به موکل گردد، مسئول خواهد بود. مسئولیت وکیل در برابر موکل در این مورد قراردادی خواهد بود.^{۵۰} می‌توان گفت التزام به جبران خسارتی که در نتیجه عدم‌اجرای قرارداد به طرف وارد می‌گردد، ضمان عارضی است که در اثر تقصیر و کوتاهی متعهد به‌وجود آمده و انتساب آن به قرارداد بدین اعتبار است که ریشه مسئولیت، نقض قرارداد او با زیان‌دیده است نه تکلیف عمومی مربوط به خودداری ازضار به دیگری. به همین جهت است که نویسندگان قانون مدنی لزوم جبران این ضرر را منوط به‌تصریح در قرارداد یا حکم

قراردادی، زیان وارده ناشی از نقض تعهدات قراردادی نباشد، بلکه ناشی از نقض وظیفه‌ای قانونی باشد (حسینی‌نژاد، پیشین، ۲۶ و ۱۶۵) مسئولیت عامل زیان، از نوع مسئولیت قهری خواهد بود که در حقوق مدنی ایران مباحث مربوط به آن تحت دو عنوان اتلاف و تسبیب مورد مطالعه قرار می‌گیرد (برای مطالعه در این زمینه نک: حسینی‌نژاد، پیشین، ۱۰۰ و ۱۴۶-۱۴۳؛ ژوردن، پیشین؛ بادینی، پیشین، ۳۶ به بعد؛ جعفرزاده، پیشین، ۲۸ به بعد؛ باریکلو، پیشین، ۲۲ به بعد).

۴۹. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها - آثار قرارداد (تهران: بهنشر، ۱۳۸۷)، جلد ۳، ۲۲۳.

۵۰. محمود کاشانی، قراردادهای ویژه (تهران: میزان، ۱۳۸۸)، ۲۱۹.

عرف و قانون ساخته‌اند (ماده ۲۲۱ ق.م.). راحل عادی در این خصوص نیز طرح دعوا علیه وکیل است (مثلاً مطالبه زیان‌های وارد شده بر اثر افشای اسرار) که میزان این زیان، به اندازه خسارتی است که به موجب این خطا بر وی وارد شده است.^{۵۱}

مسئولیت قهری یا مسئولیت غیر قراردادی وکیل: در صورتی که شرایط لازم برای تحقق مسئولیت قراردادی، وجود نداشته باشد، مسئولیت به جبران خسارت وارده را مسئولیت قهری گویند. به عبارت دیگر در مواردی که شخص زیان دیده و شخصی که مرتکب فعل زیان بار شده است، هیچ گونه قراردادی با هم نداشته باشند و یا در صورت وجود چنین قراردادی، زیان وارده از آن قرارداد ناشی نشده باشد، بلکه ناشی از نقض وظیفه‌ای قانونی باشد،^{۵۲} مسئولیت عامل زیان، از نوع مسئولیت قهری خواهد بود که در حقوق مدنی ایران مباحث مربوط به آن تحت دو عنوان اتلاف و تسبیب مورد مطالعه قرار می‌گیرد.^{۵۳} علت ایجاد مسئولیت بر ذمه وکیل، آن است که از دید عرف اختیارات وکیل متضمن ورود زیان یا تحمیل خسارت به موکل نمی‌باشد. رایگان بودن وکالت هم رافع مسئولیت وکیل نخواهد بود. برای مثال اگر به واسطه امیدوار ساختن موکل به انجام خدمات معهود، زبانی به موکل وارد شود مشارالیه با استناد به قاعده مسئولیت مدنی می‌تواند دعوی را به خواسته جبران خسارات و زیان‌های ناروا اقامه کند.^{۵۴}

۳-۲- رابطه مسئولیت کیفری و حرفه‌ای وکیل دادگستری

تخلف انتظامی^{۵۵} عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. در واقع جوامع کوچکی مثل کانون‌های وکلا، سردفتران و ... متکی

۵۱. اما اگر وکیل تقصیر در انجام وکالت ننموده باشد و با وجود این امر، خسارتی متوجه موکل گردد وکیل مسئول آن نخواهد بود، زیرا عملی را که وکیل انجام داده در حدود اختیاری بوده است که از موکل داشته و مانند آن است که موکل خود انجام داده باشد، بنابراین موکل خود، مسئولیت را تحمل می‌نماید زیرا وکیل سبب این امر شناخته نمی‌شود (حسن امامی، حقوق مدنی ۲ (تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۲)، ۲۲۵؛ محمدرضا انصافداران، بررسی تطبیقی وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری (تهران: جاودانه، ۱۳۸۶)، ۸۵).

۵۲. حسینی‌نژاد، پیشین، ۲۶ و ۱۶۵.

۵۳. برای مطالعه در این زمینه نک: داراب‌پور، پیشین، ۳۹؛ حسینی‌نژاد، پیشین، ۱۰۰ و ۱۴۶-۱۴۳؛ ژوردن، پیشین؛ بادینی، پیشین، ۳۶ به بعد؛ سپهوند، پیشین، ۱۴۹-۱۴۰؛ جعفرزاده، پیشین، ۲۸ به بعد؛ باریکلو، پیشین، ۲۲ به بعد.

۵۴. امیرمعزی، پیشین، ۲۲۷، ۲۴۵ و ۲۴۶.

۵۵. یکی از ویژگی‌های مسئولیت حرفه‌ای، دوبعدی بودن آن است. به عبارت دیگر، یک فرد حرفه‌ای، علاوه بر مسئولیت‌هایی که مانند افراد عادی غیر حرفه‌ای، در رعایت مراقبت‌های لازم، مبنی بر آسیب نرساندن به حقوق

به اصول و مقرراتی هستند که حافظ نظم و نهایتاً بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است. از این رو تخلف انتظامی عبارت از نقض قواعد خاص گروه‌های کوچک اجتماعی یا حرفه‌ای خواهد بود.^{۵۶}

مسئولیت حرفه‌ای وکیل دادگستری^{۵۷}: بسیاری از وظایفی را که دارندگان حرفه‌های تخصصی در مقابل مشتریان خود دارند، باید الزامات قانونی آنها دانست که به منظور حمایت از حقوق مراجعین این قبیل اشخاص وضع گردیده است.^{۵۸} در مسئولیت کیفری با موضوع «جرم» و در مسئولیت انتظامی با «تخلف انتظامی» مواجه هستیم. خواه این خطا یا تخلف انتظامی جرم باشد، خواه نباشد. خطای انتظامی نقض تکالیفی است که به موجب مقررات صنفی وضع شده است مانند مسئولیت انتظامی پزشکان، داروسازان، وکلا و کارشناسان رسمی و دامنه و وسعت آن درخصوص وکیل به این لحاظ است که در قانون وکالت هرگونه اقدام وکیل که خلاف شأن^{۵۹} و یا خلاف سوگند^{۶۰} وکالت باشد، تخلف انتظامی محسوب شده است. مسئولیت کیفری و مسئولیت انتظامی از لحاظ تشریفات رسیدگی، مرجع رسیدگی کننده، هدف، منبع و نوع مجازات با هم تفاوت دارند.^{۶۱، ۶۲}

دیگران در حین کار دارد، به اقتضای موقعیت شغلی و اعتمادی که مشتریان وی به مهارت و کاردانی او دارند و به همین اعتبار، انجام کار یا خدمتی را به او ارجاع می‌نمایند، مسئولیت مضاعفی را در قالب قرارداد خدمت، برای رعایت حداکثر مهارت فنی خود در انجام آن می‌پذیرد (Campion and Dimmer, 2-1). به نقل از نصرالله قهرمانی، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری (تهران: انتشارات نسل نیکان، ۱۳۸۴)، ۴۶. این مسئولیت در قوانین و حقوق ایران با عنوان «تخلفات انتظامی» شناخته شده است.

۵۶. اردبیلی، حقوق جزای عمومی ۱، پیشین، ۱۲۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: انصافداران، پیشین، ۲۰۱.

۵۷. گفته می‌شود این مسئولیت دامن گیر وکلایی می‌شود که به نوعی قواعد اخلاق مربوط به حرفه وکالت را رعایت ننموده‌اند. (محمد اسماعیل افراسیابی، «مسئولیت حرفه‌ای وکیل»، فصلنامه کانون وکلا ۱۷۷ (۱۳۸۱)، ۹۰-۱۰۴.

۵۸. قهرمانی، پیشین، ۵۹.

۵۹. تعریف سوء رفتار و اعمال خلاف شئون در قانون و آیین نامه مربوط به شغل وکالت نیامده است و برای اولین بار در قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۱۷ درخصوص رفتار خلاف شأن در تبصره ماده ۱۷ آمده است: «رفتار خلاف شأن قضایی عبارت است از انجام هرگونه عملی که در قانون، جرم عمدی شناخته می‌شود و یا خلاف عرف مسلم قضات است به نحوی که قضات آن را مذموم بدانند.» از این تعریف می‌توان شأن و به عبارتی اعمال منافی شأن در هر صنفی از جمله صنف وکلا را مشخص کرد.

۶۰. برای مطالعه درخصوص سوگند وکالت و ظرایف آن نک: سلطانی، پیشین، ۲۶۶-۲۵۹.

۶۱. باری، پیشین، ۱۲۶-۱۲۳؛ افراسیابی، پیشین، ۱۰۴-۹۰.

درخصوص رابطه این دو نوع مسئولیت یادآور می‌شود، درمواردی علاوه بر مسئولیت کیفری، برای وکیل مسئولیت حرفه‌ای هم در نظر گرفته شده است (مثل فاش ساختن اسرار حرفه‌ای که علاوه بر ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی^{۶۳} در ماده ۳۰ قانون وکالت^{۶۴} مصوب ۱۳۱۵ و ماده ۸۱ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا^{۶۵} مطرح شده است)؛ اما هر تخلف انتظامی که موجب مسئولیت حرفه‌ای وکیل می‌گردد، لزوماً جرم نیست و موجب مسئولیت کیفری او نمی‌گردد (مثلاً ندادن رسید درمقابل وجه یا مالی که از موکل دریافت می‌دارد، موضوع بند ۲ ماده ۷۹ آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴).

نکته‌ای که دراین‌خصوص به‌نظر می‌رسد؛ تأثیر مسئولیت کیفری وکیل بر مسئولیت حرفه‌ای وی است؛ بدین‌معنا که محکومیت به مجازات کیفری برای وکیل، مسئولیت حرفه‌ای نیز به‌دنبال خواهد داشت. بدین‌توضیح که ارتکاب جرم توسط وکیل به‌هرنحو اقدام خلاف شأن محسوب می‌گردد، البته گاهی این ارتکاب جرم در راستای انجام وظایف شغلی و یا به‌موجب آن است (استرداد حق‌الوکاله به‌صورت چک بلامحل^{۶۶}) و گاه ارتباطی به مسائل شغلی ندارد (استعمال مواد مخدر^{۶۷} و تجاهر به استعمال مسکر و افیون). جرایمی نیز وجود

۶۲ برای رسیدگی به تخلفات شغلی وکلای دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا از دادگاه‌های عمومی مجزا شده‌اند. بر اساس ماده ۷۶ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال وکلا مهم‌ترین مجازات‌های انتظامی وکلا شش درجه است: درجه اول (اخطار کتبی)، درجه دوم (توبیخ با درج در پرونده)، درجه سوم (توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون)، درجه چهارم (تنزل درجه)، درجه پنجم (ممنوعیت از سه ماه تا سه سال از وکالت)، درجه ششم (محرومیت دائم از شغل وکالت). هیئت عمومی دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۵۵ سال ۱۳۸۵، اعمال مجازات‌های انتظامی درجه ۵ و ۶ را از محرومیت‌های اجتماعی موضوع ق.م.ا؛ و تنها در صلاحیت دادگاه کیفری دانسته است. برای مطالعه درخصوص مسئولیت حرفه‌ای وکیل در ایالت متحده آمریکا نک: افراسیابی، پیشین، ۹۰-۱۰۴.

۶۳ ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده: «... کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشاء کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

۶۴ ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵: «وکیل باید اسراری که به‌واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.»

۶۵ وکیل باید اسراری که به‌واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید.

۶۶ دادنامه شماره ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۹ شعبه سوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز در پرونده کلاسه ۱۱۶/۸۸/۳ (شیخ‌الاسلامی، انصاری عربانی، پیشین، ۱۳۹ و ۱۴۰).

۶۷ دادنامه شماره ۱۱۲۵ مورخ ۱۳۸۴/۰۸/۱۰ شعبه سوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز در پرونده کلاسه ۱۳۶/۸۴ (شیخ‌الاسلامی، انصاری عربانی، پیشین، ۳۰۰).

دارند که قابلیت وقوع به هردو صورت را دارند (مثل خیانت در امانت که هم امکان بروز در رابطه وکالتی^{۶۸} را دارد و هم خارج از رابطه مذکور). ماده ۸۷ آیین نامه لایحه قانونی استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ اعلام می‌دارد؛ در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت کیفرخواست صادر شود دادستان باید رونوشت آن را به قانون بفرستد و از طرف قانون به دادگاه انتظامی وکلا رجوع می‌شود و در صورتی که دادگاه دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت او را صادر می‌نماید و حکم مزبور موقتاً قابل اجراست و مفاد آن به دادگاهها ابلاغ می‌شود و درمورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جنایت مطلقاً و درمورد جنحه‌هایی که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلا ادامه وکالت منافی شئون وکالت است محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه رسمی و مجله قانون، آگهی و به دادگاهها ابلاغ می‌شود؛ بنابراین در این موارد می‌بینیم، علاوه بر اینکه وکیل مثل سایر افراد به مجازات کیفری عمل خود محکوم می‌گردد، مسئولیت حرفه‌ای نیز خواهد داشت. البته پس از آنکه ارتکاب جرم در دادگاه کیفری به اثبات رسیده باشد.^{۶۹}

نتیجه

۱- یکی از انواع مسئولیت‌هایی که ممکن است دامن‌گیر وکیل دادگستری شود، مسئولیت کیفری است که گاه به شکل مسئولیت عام کیفری بروز می‌یابد، بدین ترتیب که وکیل مرتکب جرایم عمومی شود؛ در این صورت مسئولیت وی همچون مسئولیت اشخاص عادی است. ضمن اینکه ممکن است جرایم مزبور در ارتباط با انجام وظایف وکالتی اتفاق بیفتند (مثل آنچه در مواد ۵۵۴، ۵۹۶ و ۶۷۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده پیش‌بینی شده است). در مواردی هم تنها زمانی فرد مسئول شناخته می‌شود که به عنوان وکیل دادگستری اقدام کرده باشد. در این صورت هم مجازات پیش‌بینی شده در قانون مجرا خواهد بود. گاه نیز قانونگذار برای اقدام وکیل ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی نکرده است

۶۸. دادنامه شماره ۱۱۲۶ مورخ ۱۳۸۳/۰۳/۲۶ شعبه اول دادگاه انتظامی قانون وکلای دادگستری مرکز در پرونده کلاسه ۱۳/۸۲ (شیخ الاسلامی، انصاری عربانی، پیشین، ۳۰۴).

۶۹. بعضاً صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت وکیل به مواردی خاص موجب مجازات انتظامی وی می‌گردد؛ طبق ماده ۸۵؛ صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت وکیل به ارتکاب جرایم موجب حد، قصاص نفس، اعدام، حبس ابد و جرایم کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت غیرحدی و رشا و نیز عدم رعایت مفاد ماده ۶۸ این قانون موجب مجازات انتظامی درجه ۶ است.

که باتوجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها وکیل در این موارد قابل مجازات کیفری نمی‌باشد؛

۲- درخصوص رابطه مسئولیت کیفری وکیل و مسئولیت مدنی وی باید گفت؛ پاره‌ای از جرایم با اینکه مجازات‌های کم‌وبیش سنگینی دارند ولی چون خسارتی برای دیگران ایجاد نمی‌کنند توأم با مسئولیت مدنی نخواهند بود. درمقابل، هر فعلی که موجب ایجاد مسئولیت مدنی و تکلیف به جبران خسارت است، لزوماً جرم نیست و موجب مسئولیت کیفری نمی‌باشد؛

۳- ارتباط بین مسئولیت کیفری وکیل و مسئولیت حرفه‌ای وی نیز در سه سطح قابل بررسی است.

درموردی علاوه بر مسئولیت کیفری، برای وکیل مسئولیت حرفه‌ای هم در نظر گرفته شده است (مثل فاش ساختن اسرار حرفه‌ای که علاوه بر ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و ماده ۸۱ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مطرح شده است).

درمقابل هر تخلف انتظامی که موجب مسئولیت حرفه‌ای وکیل می‌گردد، لزوماً جرم نیست و موجب مسئولیت کیفری او نمی‌گردد (مثلاً ندادن رسید درمقابل وجه یا مالی که از موکل دریافت می‌دارد، موضوع بند ۲ ماده ۷۹ آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴).

مورد آخر هم تأثیر مسئولیت کیفری وکیل بر مسئولیت حرفه‌ای وی است. ارتکاب جرم توسط وکیل به‌هرنحو (چه در ارتباط با انجام وظایف شغلی و چه غیرمرتبط با آن) اقدام خلاف شأن محسوب می‌گردد؛ بنابراین محکومیت به مجازات کیفری برای وکیل، مسئولیت حرفه‌ای نیز به‌دنبال خواهد داشت که نشان‌دهنده ارتباط نزدیکی است که این دو مسئولیت با هم دارند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی ۱ و ۲. تهران: میزان، ۱۳۸۶.
- افراسیابی، محمداسماعیل. «مسئولیت حرفه‌ای وکیل». فصلنامه کانون وکلا ۱۷۷ (۱۳۸۱): ۹۰-۱۰۴.
- امامی، حسن. حقوق مدنی ۲. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۲.
- امیرمعزی، احمد. نیابت در روابط تجاری و مدنی. تهران: دادگستر، ۱۳۸۸.
- انصافداران، محمدرضا. بررسی تطبیقی وظایف حرفه‌ای وکیل دادگستری. تهران: جاودانه، ۱۳۸۶.
- بادینی، حسن. فلسفه مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- باری، مجتبی. نظارت انتظامی کانون وکلای دادگستری. تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۱.
- باریکلو، علیرضا. مسئولیت مدنی. تهران: میزان، ۱۳۸۵.
- جعفرزاده، علی. الزامات بدون قرارداد و ضمان قهری. تهران: جاودانه، ۱۳۹۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴.
- حسینی نژاد، حسینقلی. مسئولیت مدنی. تهران: مجد، ۱۳۷۷.
- داراب‌پور، مهرباب. مسئولیت‌های خارج از قرارداد. تهران: مجد، ۱۳۸۷.
- زاهدی، عاطفه. مجموعه پرسش و پاسخ‌های حقوقی - وکالت در دعوی. تهران: جنگل، ۱۳۹۲.
- ژوردن، پاتریس. اصول مسئولیت مدنی. ترجمه مجید ادیب. تهران: میزان، ۱۳۸۵.
- سپهوند، امیر. «مسئولیت مدنی». فصلنامه کانون وکلا ۱۲۸ و ۱۲۹ (۱۳۵۳): ۱۴۹-۱۴۰.
- سلطانی، عبدالفتاح. «بازخوانی سوگند وکالت». فصلنامه کانون وکلا ۱۷۸ و ۱۷۹ (۱۳۸۱): ۲۶۶-۲۵۹.
- شیخ‌الاسلامی، مرتضی، محمد انصاری عربانی. تخلفات انتظامی وکیل دادگستری. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۰.
- عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. چاپ سیزدهم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- قاسم‌زاده، مرتضی. الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد. تهران: میزان، ۱۳۸۷.
- قاسم‌زاده، مرتضی. مبانی مسئولیت مدنی. تهران: میزان، ۱۳۸۷.
- قهرمانی، نصرالله. مسئولیت مدنی وکیل دادگستری. تهران: انتشارات نسل نیکان، ۱۳۸۴.
- قیاسی، جلال‌الدین، حمید دهقان و قدرت‌الله خسروشاهی. حقوق جزای عمومی. جلد ۲. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر. ضمان قهری - مسئولیت مدنی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

- کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادهای - آثار قرارداد. جلد ۳. تهران: بهنشر، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادهای - اجرای قرارداد. جلد ۴. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر. وقایع حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- کاشانی، محمود. قراردادهای ویژه. تهران: میزان، ۱۳۸۸.
- گرچی، ابوالقاسم. مقالات حقوقی. جلد ۲. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- گلدوزیان، ایرج. بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: میزان، ۱۳۸۵.
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه. بررسی توصیفی جرم خیانت در امانت. تهران: ناشر راه نوین، ۱۳۸۹.
- معین، محمد. فرهنگ معین. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- نجفی توانا، علی. «مسئولیت کیفری وکیل دادگستری». مدرسه حقوق (۱۳۹۰): ۱۴۹-۱۴۲.
- نوربها، رضا. زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳.

ب) منابع عربی

- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت - لبنان: دارصار، ۱۴۱۴.
- بحرانی، یوسف. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. جلد ۲۱. قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵.
- حر عاملی، محمدین حسن. تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. جلد ۲۷. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
- خالصی، محمدباقر. احکام المحبوسین فی الفقه الجعفری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
- سبزواری، عبدالاعلی. مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام. جلد ۲۰. قم: دفتر آیة الله سبزواری، ۱۴۱۳.
- السنهوری، ع. الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. جلد ۷. ۱۹۹۸.
- فیض کاشانی، م. الوافی. جلد ۱۶. مکتبه الإمام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶.
- کاشف الغطاء، محمدحسین. تحریر المجله. جلد ۱. نجف: المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۹.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. جلد ۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- محقق حلی (حلی)، نجم الدین. المختصر النافع فی فقه الامامیه. جلد ۱ و ۲. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیّه، ۱۴۱۸.
- مغنیه، محمدجواد. فقه الامام الصادق علیه السلام. جلد ۳. قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱.